

# کیمیان

**قرآن به عنوان راهنمای سعادت دنیوی و اخروی بشر**(بقره، آیه ۲۰۱:اعراف، آیه ۱۵۶: نحل، آیات ۴۱ و ۱۱۲) بر آن است تا به همه ابعاد زندگی بشر ورود کرده و تبیین گر و جداکننده حق از باطل، خوب از بد، زبیا از زشت، پاک از ناپاک، حقیقت از واقعیت و مانند آنها باشد.(بقره، آیه ۱۸۵:آل عمران، آیه ۴:نحل، آیه ۸۹:فرقان، آیه ۱) از همین رو، بر خلاف دیگر مکاتب و ادیان ساخته بشری، نه تنها به آخرت مردم کار دارد، بلکه به دنیای مردم نیز کار دارد و بر این باور است که این دو از هم جدایی نداشته و بدون فعالیت‌های دنیوی نمی توان آخرتی سعادتمند داشت؛چنانکه بدون در نظر گرفتن آخرت نمی توان دنیای سعادت‌مندی را رقم زد؛ زیرا سلازهای اخروی نتیجه فعالیت‌های دنیوی انسان در ابعاد فردی و اجتماعی است (بقره، آیه ۹۷:عصر، آیات ۱ تا ۴:قصص، آیه ۷۷) و همچنین انسانی که برای آخرت کاری نمی کند، دنیا خود و دیگران را با فاجور و دردیگی در قالب آزادی مطلق به تباهی و فساد می کشاند.(قیامت، آیات ۱ تا ۵) از همین رو با رَدّ دو دیدگاه افراطی و تفریطی، استغراق در دنیا یا آخرت در قالب‌های دنیاگرایی و رهبانیت آخرت گرای به شدت مغایله می کند.(بقره، آیات ۲۰۲ و ۲۰۳: حدید، آیه ۲۷:قصص، آیه ۷۷) از نظر قرآن، اقتصاد در هر اجتماعی سستون اصلی خیمه اجتماع است و این اقتصاد است که می تواند آسایش و رفاه نسبی را در سلسله امنیت و آرامش معنوی و عبادی فراهم آورد.(نساء، آیه ۵: فریض، آیه ۴: نحل، آیه ۱۱۲) بنابراین، قرآن به مسایل و موضوعات اقتصادی به شکل کلی چون مالکیت‌های عمومی و خصوصی، مبانی و اصول اقتصاد اسلامی و مانند آنها توجه خاص داشته‌ و ضمن تبیین ابعاد گوناگون آن، به آسیب‌شناسی و بیان علل و عواملی‌می‌پردازد که موجب می‌شود تا اقتصاد کار کرد اصلی خود را از دست بدهد و به جای تأمین آسایش همگانی، موجب‌تبحرآن آسایشی و آرامشی را فراهم آورد. در مدلب حاضر به برخی آسیب‌های اقتصاد از دیدگاه قرآن پرداخته شده است.

اصطلاح اقتصاد از باب افعال از واژه «فقد» عربی به معنای میانه‌روی گرفته شده است.ت(مفردات الفاظ قرآن کریم، راقب اسفهان‌ی، ذیل واژه

فقد.

اقتصاد در اصطلاح، دانشی است که به بررسی فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، مبادله، توزیع، مصرف کالا و خدمات اقتصادی می‌پردازد.(نکند: تئوری اقتصاد گری، ص ۹)

هر چند که واژه اقتصاد به معنای اصطلاحی در قرآن به کار نرفته است، اما خدا در قرآن، با بهره‌گیری از واژه‌هایی چون «سراف»، «کل»، «اموال»، «نفاق»، «تذیبر»، «ریا»، «رزق»، «شراب»، «طعام»، «طیبات»، «مال»، «نعمت» و مشتقات آنها بر آن است تا نگرش اقتصادی اسلام را تحت عناوینی چون اهمّیت اقتصاد، اصول اقتصادی، رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی، اصلاحات اقتصادی، رابطه اقتصاد با معنویّت، واپستگی اقتصادی و مانند آنها تبیین کند.

## معارف Maaref@Kayhan.ir

أعنی؛ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ و سختی خواهد داشت؛ و روز رستاخیز او را نابینا محسور می کنیم؛ (طه، آیه ۱۲۴)
زیرا این شخص خدا را فراموش کرده و با فراموشی خدا، حقیقت واقعی خود را نیز به دست فراموشی سپرده و نسبت به ملکوت خود یعنی خدا گرفتار فراموشی شده است. این گونه است که نسبت به این حقیقت کور است و به طور طبیعی در قیامت ملکوت اعمال خود را می‌بیند که کوری، نتیجه قیامتی آن است؛ زیرا نتوانسته از آیات به صاحب آیات برسد و خدا را در همه چیز و همه جا ببیند و به سمت او برود و از کمالات و مظاهر آن بهره‌مند شود، بلکه با تجاوزگری و اسراف در امور زندگی خود را تباه ساخته‌است.(طه، آیات ۱۲۵ تا ۱۲۷)
باید یادآور شد که واژه «معیشت» به هر چیزی گفته می‌شود که مایه زندگانی است. (العین، ذیل واژه عیش)
به هر حال، از نظر قرآن کسانی که نسبت به یاد خدا اعراض می‌کنند، گرفتار انواع بلایای طبیعی چون سیل و زلزله و مانند آنها می‌شوند؛ پس بارانی که باید موجب افزایش نعمت و بهروری اقتصادی شود، در قالب سسبل به عامل تباهی اقتصادی و فساد در آن می‌شود و سرزمین پاک و زمین غنی را به شوهرزار و سنگ‌زاری می‌خاصیت یا کم خاصیت تبدیل می‌کند و برکت را از آن سرزمین می‌زاید؛ (نساء، آیات ۱۵ تا ۱۷)
از نظر قرآن، اصل ابتدایی نسبت به هر شخص یا اجتماعی، رحمت الهی است که در قالب نعمت‌ها خودنمای می‌کند؛ این حال تغییر نمی‌کند مگر آنکه خود مردم آن را تغییر دهند. در حقیقت اعمال و رفتار خودشان است که نعمت را به نعمت تبدیل می‌کنند.(انفال، آیه ۵۳)
بنابراین، از نظر قرآن، اقتصاد اجتماعی زمانی با مشکل و بحران مواجه خواهد شد که مردم رفتار درست را کنار گذارند و رفتار نادرستی را در پیش گیرند که از جمله آنها رفتار زشت اعراض از خدا و یادکرد اوست.

۲- **تجاوزگری:** از جمله اموری که به اقتصاد اجتماع آسیب وارد می‌سازد، تجاوزگری و تعدی است که از سوی افراد اجتماع نسبت به دیگران انجام می‌شود. این تجاوزگری می‌تواند نسبت به آموزه‌های وحیانی و مخالفت با شریعت باشد. این افراد و دیگران و مانند آنها باشند. از نظر قرآن هر گونه تجاوزگری به معنای ظلم و ستم خواهد بود و به طور طبیعی از همین رو توصیه‌های قرآن در این حوزه برای برون رفت از مشکلات و آسیب‌های واقعی یا اجتماعی، بر اساس همین مبانی و اصول اساسی است.

# آسیب‌شناسی اقتصاد از منظر قرآن

علی پورا



از نظر قرآن، مهم‌ترین اموری که اقتصاد اجتماع را با مشکل، معضل و بحران مواجه می‌کند و به عنوان یک بیماری اقتصادی می‌تواند تاثیرات مخرب و زیانباری را به جا گذارد، اموری است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- **اعراض از ذکر خدا:** هرگونه فعالیتی از جمله فعالیت اقتصادی زمانی می‌تواند مفید و سازنده و در مسیر رشد و کمال باشد که خدا در آن مورد توجه و اهتمام قرار گیرد؛ زیرا همان طوری که انسان به طور طبیعی به بسوی خدا باز می‌گردد و فرآیند طبیعی آن در نهایت به خدا ختم می‌شود(انشقاق، آیه ۶۶: بقره، آیه ۱۵۶)، باید فعالیت‌های اقتصادی او نیز ناظر به این رویکرد و جهت گیری کلی باشد؛ چرا که خدا و ذکر و یاد دائم او در هر کاری موجب می‌شود تا انسان در فعالیتی را به گونه‌ای انجام دهد که خشنودی خدا در آن باشد.(انسان، آیه ۸، بقره، آیات ۱۱۵ و ۲۷۲؛ روم، آیات ۳۸ و ۳۹)
بی‌گمان کسی که همواره به یاد خدا است، می‌داند که خدا انسان را برای آخرتی تربیت می‌کند که ابدیت او را شکل می‌دهد. بنابراین، نظام اسلام به عنوان راهنمای زندگی انسان به سوی ابدیت همراه با فلاح و رستگاری ابدی راه مستقیم است که باید پیروی شود.(بقره، آیات ۱ تا ۵؛ آل عمران، آیات ۱۹ و ۸۵، شوری، آیه ۱۳ و آیات دیگر)
هر گونه اعراض از یاد خدا به معنای ترک اطاعت از سوی شیعت اسلام و تغییر در رویکردهای زندگی و رفتاری خواهد بود. از همین رو غفلت و نسیان و مانند آنها موجب می‌شود تا شخص در رفتار و اعمال خویش کاری را انجام دهد که دنیا و آخرت او را تباه می‌کند. از نظر قرآن، ترک یاد خدا و اعراض از آن نه تنها آخرت آدمی را تباه می‌کند، بلکه شرایط متعارف و معمولی زندگی دنیوی را نیز به تباهی می‌کشاند، به طوری که نعمت را به نعمت تبدیل کرده و انسان را از خدا دور می‌سازد. خدا در این باره می‌فرماید: وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مِيسَةً ضَنْكًا وَمَشْهُرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

## ۲ راه رسیدن به مقامات بالا

روزی شخصی در پیاده‌رو کنار حرم حضرت معصومه (س) از علامه طباطبایی سوالاتی پرسید که یکی از این سوالات این بود که چه کار کنیم به مقامات بالا برسیم؟
علامه در جواب فرمودند: راه‌های زیادی هست ولی دو راه است که از همه مطمئن‌تر و برابم مشهود و معلوم است، و به آن افتخار می‌کنم... (یکی نماز شب با اخلاص و مدام و دیگری گریه بر امام حسین (ع))
از کتاب: آشنایی آسمان ص ۱۵۵ به نقل از حاج شیخ حسین انصاریان؛ tme/alzmann

## خداوند؛ مشتری گناهکاران

خداوند مشتری گناهکاران است. می‌بینی شخصی است گناهکار، روی آمدن به مسجد را ندارد، دلش شکسته ، می‌گوید: مسجد کجا من کجا؟ یا ماه محرم شده، می‌گوید: من کجا دسته عزاداری کجا! برای من هفت کردن کفش‌های عزاداران بهترین جاست. خدا مشتری چنین دل‌های شکسته است. «لهی عادتک الاحسان الی المسیین و سببیک الایقان علی المعتدین.» (دعای ماه رجب، عادت خدا احسان کردن به آدم‌های بد است. شما آدم بد را به خانه دعوت می‌کنی؟ نه! می‌گویی ابرویمان می‌رود، بد کار را دعوت نمی‌کنید. هرکس به خان و خانه خود نیکبار را دعوت می‌کند.

خداوند این گونه نیست، مشتری بدکاران است. «یا من یرحم من لا یرحمه العباد»(دعای ۴۶ عهدیه سجاده‌به)؛ ای خدایی که دلسوژی می‌کنی نسبت به کسی که مردم دشمن به حال او نمی‌سوزد، «و به من یقبل من لا یقبله الیلا» (همان‌های خدایی که قبول می‌کنی آن شخص را که هیچ شهری او را قبول نمی‌کند.

**کانال رسمی آیت‌الله سید حسن عاملی**
**https://telegram.me/seyed\_hasan\_amei**

بنی‌اسرائیل با مخالفت و تعدی و تجاوز نسبت به آموزه‌های وحیانی و پیامبر خویش ، نعمت را به نعمت تبدیل کرده و اقتصاد اجتماع را به تباهی کشاندند و مورد غضب الهی قرار گرفتند.(بقره، آیه ۶۱)

۳- **ترک اتفاق مالی:** از نظر قرآن، در هر مالی، سهمی برای گروه‌ها و اقشار خاص اجتماعی است که باید از سوی صاحبان مال ادا شود.(معارج، آیات ۲۴ و ۲۵؛ ذاریات، آیه ۱۹)
این حقوق مالی از واجبات و مستحبات است که هر عهده هر صاحب مالی است، باید ادا شود تا شخص یا اجتماع از برکات آن بهره‌مند شود؛ زیرا از نظر قرآن، ترک اتفاقات مالی ، نه تنها به معنای خروج از دایره شکرگزاری به کفران نعمت است، بلکه به معنای تعدی به حقوق مالی دیگران است که به شکل مشاع در اختیار آدمی است؛ چرا که همه چیزهایی که در اختیار انسان به شکل تسخیر(زخرف، آیه ۳۲) و مالکیت اعتباری مطرح است، در حقیقت ملک طلق خدا است و خدای تبارک و تعالی است که مالک حقیقی و واقعی این اموال است. خدا می‌فرماید: وَمَا يَمْكُنْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ، هر نعمتی که دارید از خداست.

### از نظر قرآن اقتصاد متکی به ربا موجب بی‌برکتی آن شده و اجتماع از فضل الهی بی‌بهره می‌شود. خدا با اشاره به قوم یهود که در اقتصاد ربوی استاد و سرآمد هستند می‌فرماید که رباخواری یهود، از عوامل تضییق اقتصادی بر آنان از سوی خدا بوده است هر چند که به ظاهر آنان موفق بوده و از رفاه برخوردارند، ولی این ظاهر قضایا است.

(نحل، آیه ۵۳) پس از نظر قرآن، انسان با مالکیت اعتباری تنها حق تصرف در محدوده‌ای دارد که قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر تکوین و تشریح بیان کرده است. از همین رو خدا بصراحت می‌فرماید: وَأَوْثَمِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ؛ و به آنان از مال الله بدهید که به شما داده است.(نور، آیه ۳۳)
بر این اساس، خدا از مردمان می‌خواهد تا بخشی از مال الله در اختیار ربا به کسانی بدهند که نیازمند هستند؛ زیرا با این کار نه تنها چیزی از سرمایه اقتصادی شما کاسته نمی‌شود، بلکه موجب افزایش آن می‌شود. از نظر قرآن هر گونه اتفاق در قالب هبه و صدقه و قرض الحسنه و دیگر اتفاقات واجب و مستحب مالی ، از عوامل رشد اقتصادی و شکوفایی آن بوده و اجتماع از برکات اقتصادی بهره‌مند خواهد شد. (بقره، آیات ۲۶۱ و ۲۷۷؛ حدید، آیه ۱۸)
از همین رو خدا به مردمان هشدار می‌دهد برای رهایی از بحران اقتصادی و جلوگیری از ایجاد مشکل در امور اقتصادی؛ به واجبات خویش عمل کرده و از اتفاقات خودداری نکنند؛ چرا که خودداری از اتفاق بویژه نسبت به مسکینان، زمینه‌ساز نزول عذاب پراورتر از سوی خدا و نابود شدن مال و ثروت آنان می‌شود.(فلم، آیات ۱۷ تا ۳۱)

۴- **اعراض از اکرار یتیم:** یگان در میان اقشار ضعیف اجتماع، یتیمان از جایگاه خاصی برخوردار هستند؛ زیرا آنان از نظر روانی و روحی نیز در معرض خطر هستند. از همین رو تکريم آنان مورد تأکید خاص قرآن است. از نظر قرآن، جامعه‌ای که گرفتار انحطاط اخلاقی شده باشد، گرفتار انحطاط اقتصادی نیز خواهد شد. (زاین رو در تحلیل چرایی بحران‌های اقتصادی به مسئله دوری جامعه از تکريم یتیمان اشاره می‌کند و در قالب تحلیل از این چرایی به عوامل ایجادیی آن توجه داده و می‌فرماید:
و اما چون وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند می‌گوید پروردگرم مرا خوار کرده‌است، نه، اینطور نیست، بلکه یتیم را نمی‌نوازد و بر خوراک دادن مسکین همديگر را بر نمی‌انگيزيد و ميراث را چپاولگراي می‌خوريد و مال را دوست داريد دوست داشتمی بسیار. (فجر، آیات ۱۶ تا ۲۰)
واژه «کلا» در آیه ۱۷ نفی و ردّ عقیده و سخن کسی است که طبق آیه ۱۷ تنگنمای اقتصادی را نشانه و نتیجه امتناع‌های خداوند درباره خود می‌داند، در حالی که خدا در تبیین چرایی تنگنمای اقتصادی به این نکته توجه می‌دهد که تنگنمای اقتصادی، نتیجه اعمال خود انسان از قبیل بی‌توجهی به یتیم، تصاحب اموال و حقوق دیگران و مانند آنها است.(مجمع‌البیان، ذیل آیه)

۵- **تصاحب ارب دیگران:** از نظر قرآن از دیگر عواملی که موجب بحران و تنگنای اقتصادی می‌شود، عدم توجه به حقوق اربان و تصاحب ارب دیگران است. نایده گرفتن حقوق دیگران در هر شکلی اثا بد اقتصادی دارد که از جمله آنها تنگنمای اقتصادی و تنگ شدن روزی است.(فجر، آیات ۱۶ تا ۲۰؛ مجمع‌البیان، ذیل آیه)

### از نظر قرآن، اقتصاد اجتماع زمانی با مشکل و بحران مواجه خواهد شد که مردم رفتار درست را کنار گذارند و رفتار نادرستی را در پیش گیرند که از جمله آنها رفتار زشت اعراض از خدا و یادکرد اوست.

۶- **مال دوستی:** چنانکه گذشت، دلباختگی شدید انسان به ثروت و عدم توجه به مراعات حقوق و واجبات مالی از سوی صاحبان ثروت، زمینه‌ساز تضییق اقتصادی از سوی خدا نسبت به آنان می‌شود.(فجر، آیات ۱۷)۶ (۲۰ و ۲۱)

۷- **زیاده‌خواهی در قالب تنوع طلبی:** قرآن زیاده‌خواهی در قالب تنوع طلبی در مصرف را زمینه‌ساز از بین رفتن رفاه اقتصادی می‌داند؛ زیرا این رویه به معنای عدم شکرگزاری و کفران نعمت است؛ از نظر قرآن کسانی که شاکر باشند خدا افزون بر اینکه ظرفیت وجودی ایشان را افزایش می‌دهد، بر میزان دارایی آنان از نظر کمیت و کیفیت نیز می‌افزاید.(ابراهیم، آیه ۷)
اما کسانی که کفران نعمت کرده و شکرگزار نباشند و توقعات بیجا و زیاده‌خواهی داشته باشند، مجازات شده و روزی‌شان تنگ می‌شود و خداوند خواهی آنان را با بحران مواجه می‌سازد.(بقره، آیه ۶۱)
باید یادآور شد که مقصود از «مسکنة» در آیه، به قرینه اینکه به خواسته‌های معیشتی بنی‌اسرائیل مربوط می‌شود، همان فقر و بیچارگی است.

۸- **حکومت ناصح:** ازنظر قرآن وجود حکومت صالحان به معنای افزایش رزق و روزی و برکات بر جامعه و تمکن‌یابی آن است؛ در حالی که آسیب دیدن اقتصاد جامعه و نابودی کشاورزی و مانند آنها چیزی جز پیامد حکومت فاسدست منافقان و مانند آنها نیست؛ زیرا رویه آنان موجب می‌شود تا فساد در اجتماع گسترش یافته و به همان میزان اقتصاد از حرکت و شکوفایی باز ایستد و زمینه برای هلاکت نسلی و اقتصادی فراهم آید.(بقره، آیات ۲۰۴-۵۲)

۹- **رباخواری:** همان طوری که خرید و فروش در چارچوب‌های اقتصاد سالم و گردش سالم اقتصادی موجب افزایش درآمد و برکت در جامعه می‌شود، به همان میزان رباخواری سبب انحراف و ناسامانی در اقتصاد اجتماع می‌شود.(بقره، آیه ۲۷۵)
از نظر قرآن اقتصاد متکی به ربا موجب بی‌برکتی آن شده و اجتماع از فضل الهی بی‌بهره می‌شود.(روم، آیه ۳۹)
پس بر خلاف تصور آنکه ربا موجب افزایش نقدینگی و درآمد است، باید گفت که موجب نابودی آن می‌شود و نظام اقتصاد ربوی، در نهایت محکوم به نابودی است.(بقره، آیه ۲۷۶)
خدا با اشاره به قوم یهود که در اقتصاد ربوی استاد و سرآمد هستند می‌فرماید که رباخواری یهود، از عوامل تضییق اقتصادی بر آنان از سسوی خدا بوده است(نساء، آیات ۱۶۰ و ۱۶۱)
هر چند که به‌ظاهر آنان موفق بوده و از رفاه برخوردارند، ولی این ظاهر قضایا است. از نظر قرآن، آنچه موجب افزایش و رشد اقتصادی واقعی می‌شود، نزول خواری نیست، بلکه پرداخت رکات است که به ظاهر از دست رفتن مال و در باطن افزایش مضاعف و دو چندان آن است.(روم، آیه ۳۹)

۱۰- **ستمگری:** ستمگری و بی‌عدالتی انسان‌ها، عامل مشکلات اقتصادی است.(ابراهیم، آیه ۳۴)
بنابراین، هر گونه ظلم و ستم نسبت به دیگران را باید کنار گذاشت تا به اقتصادی شکوفا و دارای رشد و توسعه دست یافت. خدا با اشاره به حقایق تاریخی می‌فرماید که ستمگری یهود، از عوامل تحریم برخی طبّیات بر آنان از سوی خداوند شد و خداوند به طرق گوناگون تکوینی و تشریحی به مجازات ستمگران یهودی پرداخت تا در تنگنای اقتصادی به خود آیند و در مسیر درست قرار گیرند. (نساء، آیه ۱۶۰، انعام، آیه ۱۲۶)
هر چند که آنان از مجازات الهی درس نگرفتند و همان راه خویش را رفتند.

۱۱- **سلطه سفیهان:** از نـظـر قرآن سلطه ناهلان و سفیهان بر امور مالی، سبب تزلزل ارکان اقتصادی می‌شود؛ از این رو، نباید امور مهم اجتماع از جمله اقتصاد که مایه قوام بخش آن است را در اختیار بی‌خران، سبک مغزان و سفیهان قرار داد(نساء، ۵)، بلکه با انتخاب نخبگان اقتصادی متعهد و ایمن کاری کرد که موجب رشد اقتصادی فراهم گردد(یوسف، آیات۴۵-۵۵)
تضییق وقت از آنجا که در این آیه، «مال» مایه قوام اجتماع شمرده شده، نهی از سپردن آن به سفیهان می‌تواند به سبب این باشد که واگذارن اموال و امور اقتصادی به افرادی مانند سفیهان، در واقع به هدر دادن چیزی است که قوام معیشت مردم در آن است.

۱۲- **عدم تشویق به اتفاق:** اجتماعی که خود گرفتار بخل‌ورزی است، دیگران را نیز از انجام واجبات مالی و مستحب باز می‌دارد و همین امر موجب بحران اقتصادی در اجتماع خواهد شد. به سخن دیگر، بی‌رضیتی و تشویق نکردن دیگران به اطعام مسکینان و ادای دیگر واجبات مالی، درپی‌دارند تنگنمای اقتصادی. بنابراین، شخص نباید خود بخیل یا مانع غنی‌شدن باشد؛ زیرا چنین رفتاری موجب بروز مشکل اقتصادی می‌شود. (فجر، آیات ۱۶ تا ۱۸؛ معارج، آیه ۲۱)

۱۳- **قتل انبیا:** نابودی مصلحان الهسی که به اصلاح اقتصادی نیز توجه داشتند(هود، آیات ۸۸ و ۹۱) از جمله عواملی است که اقتصاد را با

### از نظر قرآن اقتصاد متکی به ربا موجب بی‌برکتی آن شده و اجتماع از فضل الهی بی‌بهره می‌شود. خدا با اشاره به قوم یهود که در اقتصاد ربوی استاد و سرآمد هستند می‌فرماید که رباخواری یهود، از عوامل تضییق اقتصادی بر آنان از سوی خدا بوده است هر چند که به ظاهر آنان موفق بوده و از رفاه برخوردارند، ولی این ظاهر قضایا است.

(نحل، آیه ۵۳) پس از نظر قرآن، انسان با مالکیت اعتباری تنها حق تصرف در محدوده‌ای دارد که قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر تکوین و تشریح بیان کرده است. از همین رو خدا بصراحت می‌فرماید: وَأَوْثَمِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ؛ و به آنان از مال الله بدهید که به شما داده است.(نور، آیه ۳۳)
بر این اساس، خدا از مردمان می‌خواهد تا بخشی از مال الله در اختیار ربا به کسانی بدهند که نیازمند هستند؛ زیرا با این کار نه تنها چیزی از سرمایه اقتصادی شما کاسته نمی‌شود، بلکه موجب افزایش آن می‌شود. از نظر قرآن هر گونه اتفاق در قالب هبه و صدقه و قرض الحسنه و دیگر اتفاقات واجب و مستحب مالی ، از عوامل رشد اقتصادی و شکوفایی آن بوده و اجتماع از برکات اقتصادی بهره‌مند خواهد شد. (بقره، آیات ۲۶۱ و ۲۷۷؛ حدید، آیه ۱۸)
از همین رو خدا به مردمان هشدار می‌دهد برای رهایی از بحران اقتصادی و جلوگیری از ایجاد مشکل در امور اقتصادی؛ به واجبات خویش عمل کرده و از اتفاقات خودداری نکنند؛ چرا که خودداری از اتفاق بویژه نسبت به مسکینان، زمینه‌ساز نزول عذاب پراورتر از سوی خدا و نابود شدن مال و ثروت آنان می‌شود.(فلم، آیات ۱۷ تا ۳۱)

۴- **اعراض از اکرار یتیم:** یگان در میان اقشار ضعیف اجتماع، یتیمان از جایگاه خاصی برخوردار هستند؛ زیرا آنان از نظر روانی و روحی نیز در معرض خطر هستند. از همین رو تکريم آنان مورد تأکید خاص قرآن است. از نظر قرآن، جامعه‌ای که گرفتار انحطاط اخلاقی شده باشد، گرفتار انحطاط اقتصادی نیز خواهد شد. (زاین رو در تحلیل چرایی تنگنمای اقتصادی به مسئله دوری جامعه از تکريم یتیمان اشاره می‌کند و در قالب تحلیل از این چرایی به عوامل ایجادیی آن توجه داده و می‌فرماید:
و اما چون وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند می‌گوید پروردگرم مرا خوار کرده‌است، نه، اینطور نیست، بلکه یتیم را نمی‌نوازد و بر خوراک دادن مسکین همديگر را بر نمی‌انگيزيد و ميراث را چپاولگراي می‌خوريد و مال را دوست داريد دوست داشتمی بسیار. (فجر، آیات ۱۶ تا ۲۰)
واژه «کلا» در آیه ۱۷ نفی و ردّ عقیده و سخن کسی است که طبق آیه ۱۷ تنگنمای اقتصادی را نشانه و نتیجه امتناع‌های خداوند درباره خود می‌داند، در حالی که خدا در تبیین چرایی تنگنمای اقتصادی به این نکته توجه می‌دهد که تنگنمای اقتصادی، نتیجه اعمال خود انسان از قبیل بی‌توجهی به یتیم، تصاحب اموال و حقوق دیگران و مانند آنها است.(مجمع‌البیان، ذیل آیه)

۵- **تصاحب ارب دیگران:** از نظر قرآن از دیگر عواملی که موجب بحران و تنگنای اقتصادی می‌شود، عدم توجه به حقوق اربان و تصاحب ارب دیگران است. نایده گرفتن حقوق دیگران در هر شکلی اثا بد اقتصادی دارد که از جمله آنها تنگنمای اقتصادی و تنگ شدن روزی است.(فجر، آیات ۱۶ تا ۲۰؛ مجمع‌البیان، ذیل آیه)

آنچه بیان شد چکیده‌ای از آسیب‌های مطرح برای اقتصاد از دیدگاه قرآن است. مسلما تحقیق و تفحص بیشتر در قرآن ما را با عوامل آسیب‌زای بیشتر آشنا خواهد کرد.

صفحه ۸
شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۶
۷ جمادیالثانی ۱۴۳۹ - شماره۱۸۵۱

## چراغ راه

### تباه‌کننده و نگهدارنده‌ترین چیز

**قال الامام علی(ع): «اهلك شيبان الشك والارتياب، واملك شيبان الورع والاجتناب.»**

امام علی(ع) فرمود: تباه‌کننده‌ترین چیز شک و تردید است، و نگهدارنده‌ترین چیز، پارسایی و دوری کردن (از گناهان و محرمات) است. (۱)

## شیطان شک را دوست دارد

شیخ کلینی(ره) از حسن بن نصر به سند خود نقل می‌کند: هنگامی که وارد منزل امام حسن عسکری(ع) شدم، شخص سیاهی را دیدم که ایستاده است، او به من گفت: تو حسین بن نظر هستی؟
گفتم: آری، گفت: داخل شو! پس او داخل خانه شدم و سپس اتاقی را دیدم که به در آن پرده‌ای آویزان شده بود. از داخل اتاق ندایی شنیدم که فرمود: ای حسن بن نصر! خدا را بر آنچه بر تو منت گذاشته شکرگزار باش و حمد کن، و هرگز شکی به خود راه مده، زیرا شیطان دوست دارد که تو شک کنی... (۱)

از آنجا که «حسن بن نصر» و جماعتی دیگر از شیعیان، در امر کلا و دیگر امور ششک کرده بودند، و در امر امامت و رهبری جامعه که از مسائل اعتقادی است، شک موجب فساد دین خواهد شد، امام عسکری(ع) او را از شک و تردید برحذر می‌دارد.

## ۱- کفی، ج ۱، ص ۵۱۸، ج ۴

## پرشش و پاسخ

## تزلزل و دودلی (۲)

**پرشش:**
**تردید، دودلی و تزلزل چیست و چه آثاری در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و راهکارهای از بین بردن این ردیلت کدام است؟**
**پاسخ:**

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به مفهوم شک و انواع شک شامل شک سازنده و مخرب پرداختیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

**مراتب شک**
شک (فارغ از این‌که در کدام از اصول ایمانی باشد) از نظر امام خمینی دارای مراتبی است:
شک کلی: تزلزل در عقاید ظاهری است؛ (مثل این‌که در وجود خدا یا نبوت شک کند)
شک خفی: تزلزل در معارف و اسرار و توحید و تجرید و تفردید است (یعنی توانایی قلب در شهود باطنی این معارف)
شک اخفی: حالت تلوین و عدم تمکین در مقامات مذکوره است. یعنی ناتوانی قلب در ثبات و دوام شهود باطنی این معارف (شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی(ره، ص ۴۰۷)

**عوامل و اسباب ایجاد شک**
اسباب ایجاد شک، بسته به نوع شک فرق می‌کند. اما آنچه بیشتر در قرآن و روایات و بیانات علمای اخلاق موردتوجه قرار گرفته است، چند علت به ویژه اولیای علت زیر است:
**۱- ردایلی اخلاقی خصوصا عمل نکردن به دانسته‌های یقینی:** عمل صالح، انسان را از دلگسستگی به دنیا دور می‌کند و معرفت، آدمی را از آلودگی اوهام و شکی‌خا خالص‌تر می‌کند. همچنان که عمل غیرصالح به هر مقدار از روشنگاری که دارد انسان را بست نموده، علوم و معارفش را با جهل و شک و ناسامانی آمیخته‌تر می‌کند. زیرا قلب انسان لطفیه‌ای است که بین ملک و ملکوت قرار دارد و یک روی آن به عالم حسسی است و صور ملکیه دنیاویوه در آن منعکس شده و اگر وجهه دنیاویوه قلب قوت گرفت، باطن وجود او با ملکوت سفلی که عالم جن و شیاطین و نفوس خبیثه و سایه عالم مادیات است تناسب می‌یابد و افکار و تمایلات و رفتارهای شیطانی اذقیبل وسوسه و شک و تردید و اوهام و خیالات باطله در آن غالب می‌شود و همین طور اگر قلب به آخرت و معارف حقه توجه نمود، با ملکوت علی که عالم ملایکه و نفوس طیبه مسعیده است و به منزله حقیقت توانی عالم طبیعت است، تناسب پیدا می‌کند و علوم رحمانی و عقاید حقه و افکار و تمایلات الهیه دریافت کرده و از شک و شرک مزه و پاکیزه می‌گردد. این شک، فراگیر و بسیار دیرعلاج است؛ چراکه آمیخته با لجاجت و هوای نفس درین درخت حقیقت است و بسیاری از مضامین دینی در سرزنش شک دراین مورد است؛ زیرا این افراد، یقینی را قبلا پیدا کرده و حجت بر ایشان تمام است اما گوهر گرانبهای ایمان را با گناهان متعدد و توبه نکردن از دست می‌دهند. چون براساس روایات، اگر یقین مورد عمل قرار نگیرد، شک می‌کند.

همچنین این افراد به نوعی فسقات قلب دچار می‌شوند که کار اصلاحشان بسیار دشوار می‌گردد و مفاسد آنها برای دین و جامعه و خودشان هم خیلی بیشتر است. به همین علت است که امام صادق(ع) فرمود: شک تا زمانی است که یقین نیاید و پس از یقین دیگر شک جایز نیست. (کافی، ج ۲، ص ۳۹۹)
این شک پس از یقین، همان شک است که در اثر عمل نکردن به مقتضای آن یقین و آلوده شدن به ردایلی و در نتیجه از دست دادن آن یقین، دل را فرا می‌گیرد.

## رسولک عارفانه

## سه توصیه لقمان حکیم به فرزندش

(بنان ای سلاک راه خدا)
لقمان حکیم به فرزندش گفت:
بنت جانم به تو سفارش می‌کنم این سه بند را به یاد بسپاری و به آن عمل کنی:
۱- راز خود را به هر دوست نابخ خود گفت، و با مأمور حساسی و دفتردار ننگهان دولتی) دوستی نکنی
۲- از نوکیسه (آن کس که تازه ثروتمند شده است) وام نگیری!

پسر لقمان برای آشنکار شدن حکمت نصایح پدرش، علی‌رغم توصیه لقمان، راز خود را به هر دوست نابخ خود گفت، و با مأمور حساسی و دوست شد و از نوکیسه وام گرفت، ولی پس از مدتی که این سه نفر به او خیانت کردند، راستی گفتار پدرش برای او روشن شد. (۱)

۱- داستان‌های جوامع الحکایات، محمد عوفی، مترجم محمدی اشتهداری، ص ۱۲۵

**صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبه**
**سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۳۲۹۶۱۹۹۱ - ۳۲۲۱۰۲۲۲۱**
**Maaref@kayhan.ir**